

## عنوان مقاله:

بازشناسی تاثیرپذیری تحلیل و نقد فضاهای معماری از علم فیزیک نوین (نظریه عدم قطعیت هایزنبرگ)

## محل انتشار:

کنفرانس بین المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط زیست؛ افق های آینده، نگاه به گذشته (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

## نویسندگان:

شادی خسروی - دانشجوی دکتری معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، ایران

ارسلان طهماسبی - استادیار گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، ایران

## خلاصه مقاله:

در دوران معاصر معماران، در روند شکل گیری موضوعات علمی و فلسفی جدیدتر، حرکت علمی فلسفی نوین در معماری را که از اواخر دهه 1970 با مبحث دیکانستراکشن شروع شد، ادامه دادند. در حال حاضر این معماران به دنبال شکل کالبدی دادن به مفروضات و شناخت انسان از خود و محیط پیرامونش می باشند. آن ها معتقدند که این شناخت تنها از طریق علم و تکنولوژی و فلسفه صورت می گیرد و معمار جهت حفظ حضور خود در ورطه تمدن امروز جهان، باید با علم، تکنولوژی و فلسفه روز آشنایی کامل داشته باشد، محیط مصنوع را با استفاده از موارد فوق به صورتی خلاق و هنری نشان دهد. لذا تحولاتی که در فیزیک ذرات بنیادین، نجوم، ژنتیک، ریاضی، تکامل، فضا و زمان در سنوات اخیر رخ داده، موضوع مکتب معماری جدید قرار گرفته است. بر اساس فرضیات جدید در ریاضی و فیزیک، عالم مکانیکی نیوتون دیگر نمی تواند شرایط امروز جهان را تبیین کند. آلبرت انیشتین در اوایل قرن اخیر با معرفی نظریه نسبیت، جهان مکانیکی نیوتون را که در آن فضا و زمان مطلق بود در هم شکست. در سال 1927، ورنر هایزنبرگ (Werner Heisenberg) فیزیکدان المانی، اصل عدم قطعیت را در فیزیک کوانتوم مطرح نمود. بر اساس این اصل، امکان مشخص نمودن همزمان مکان و سرعت یک ذره بنیادین - مانند الکترون- وجود ندارد. لذا نمی توان اجسام را دارای مکان مشخص در فضا و زمان فرض نمود. آن ها غیر خطی، نامشخص و متقابلا درگیر یکدیگر هستند و مانند یک موجود زیستی تطور پیدا می کنند. لذا دانشمندان جهت تبیین جهان امروز به کمک مباحثی همچون هرج و مرج (Claos)، هندسه نا اقلیدس، نظریه پیچیدگی و فیزیک غیر خطی، جهانی متفاوت از گذشته در مقابل انسان پست مدرن گشوده اند. بنابراین شناخت مفاهیم مرتبط با فیزیک نوین و به صورت شاخص نظریه عدم قطعیت هایزنبرگ در این مقاله، و سپس استفاده از این مفاهیم در نقد و تحلیل فضاهای معماری و شناسایی نمونه های موردی که قابلیت نقد به کمک علوم جدید چون کوانتوم و نظریه عدم قطعیت را دارند، در درک بهتر رویکردهای جدید معماری و تحلیل فضا می تواند موثر واقع شود. در این مقاله از مطالعات کتابخانه ای و مصاحبه با متخصصان علم فیزیک کوانتوم و از روش تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است.

## کلمات کلیدی:

فیزیک کوانتوم، نظریه عدم قطعیت هایزنبرگ، فضا، زمان، معماری معاصر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/607467>

